



Translate Luna
Clean Luna
Type Robin



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

آه... صبح بخیر ~

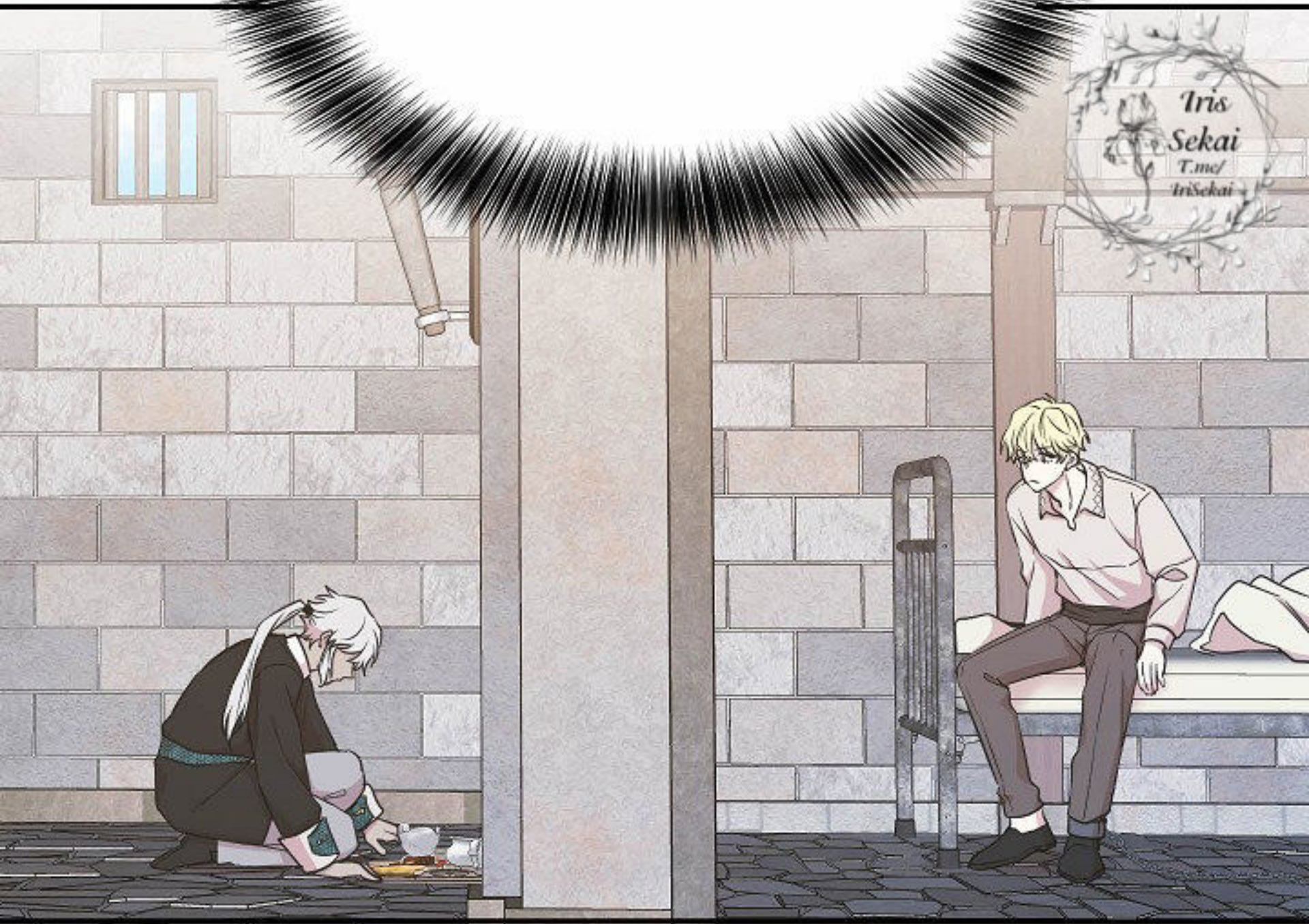
... وقت غذاست.

Tris
Sekai
Time/
TrisSekai

اگه می‌خوای زنده
بمونی...



... باید مارگو رو
اغوا کنی!





I Choose
the Emperor
Ending



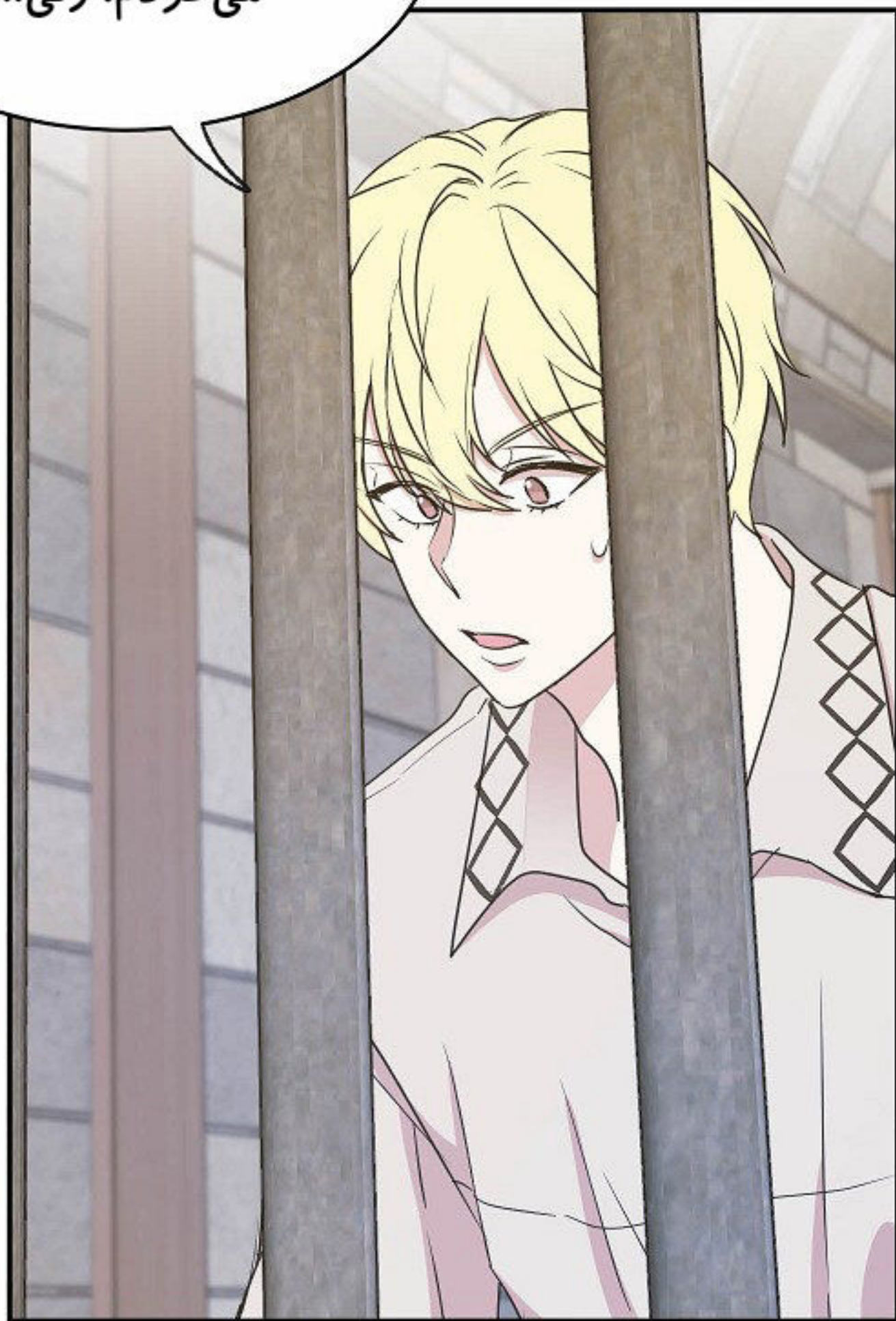
I Choose the Emperor Ending

Story : KIM SUO

Art : jaradog

Ep 97

عامم، می دونی،
من همیشه این فکرو
می کردم، ولی...



... وعده‌های غذایی‌ای
که تو بهم می‌دی خیلی
تجملاتی هستن..



iris
Sekai
T.me/
irisSekai

اگه درباره غذا
شکایتی داری، پس بهت
گرسنگی می دم.

Temblar

Temblar

ن، نه!
اینطوری نیست!

اینکه این مرد یه عضو
پنهانی از خانواده سلطنتیه
می‌تونه حقیقت داشته باشه.



اگہ اینطور باشہ، من...



عام...

اگه مشکلی
نداری، می‌خوای با من
غذا بخوری؟

*Iris
Sekai
T.me/
IriSekai*



!

فکر کردی من
گدا گشتم؟

Temblar

Temblar

نه نه نه نه نه!
واقعا منظورم این نبود!

راستشو بخوای،
من عادت ندارم تنها
غذا بخورم.



Agachar

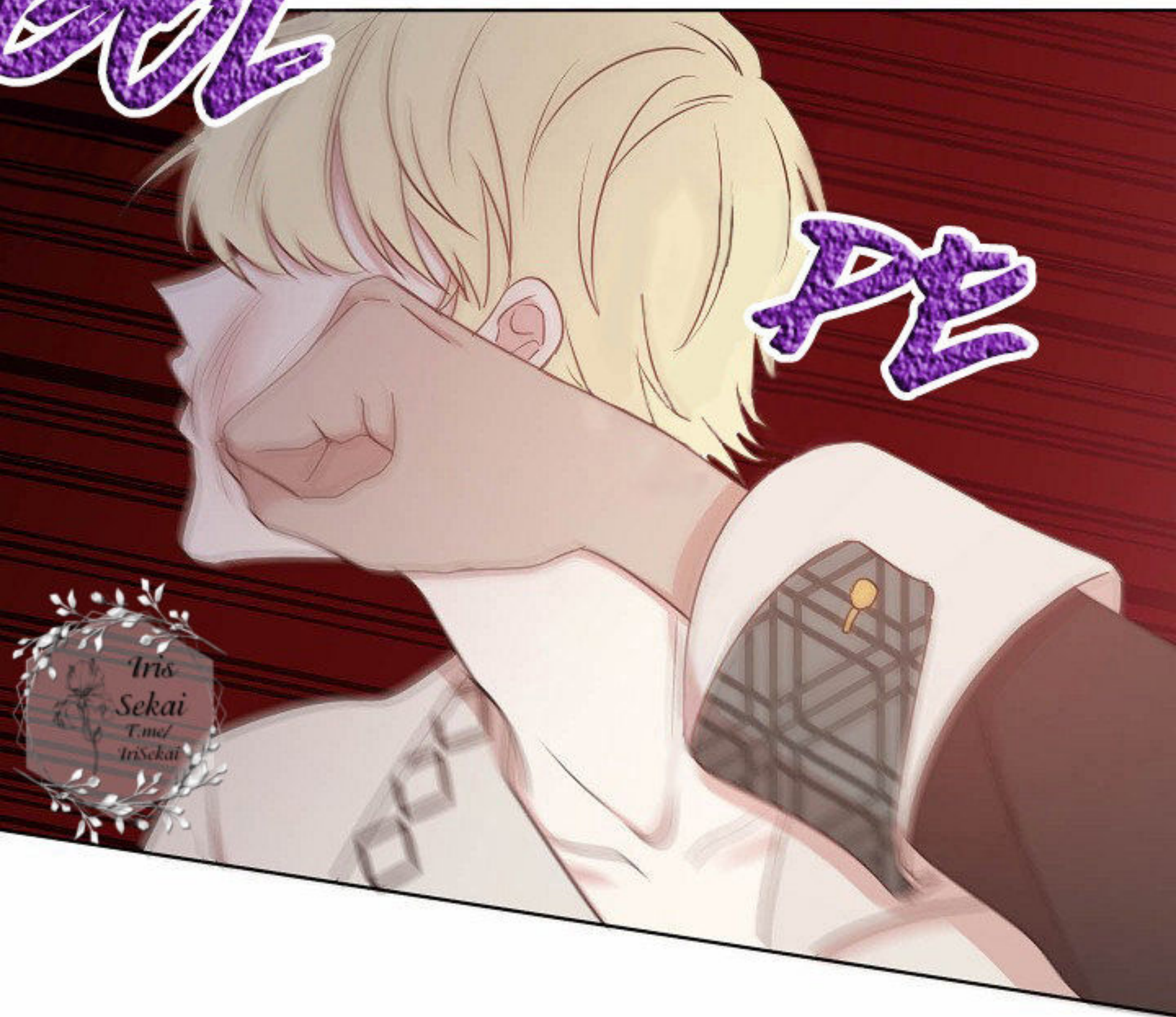
و اینکه اینجا می شینی
و بدون اینکه خودت چیزی
بخوری منو تماشا می کنی
اذیتم می کنه، عام...

تازشم اگه با هم بخوریم،
غذا خوشمزه تر از
قبل نمی شه؟

Charang~

606

AE



?!?!?!?



4

من فقط.. تو انگار خیلی
شبهه امپراطوری، لبخند زدنت
حقیقتا شبهه اونه...

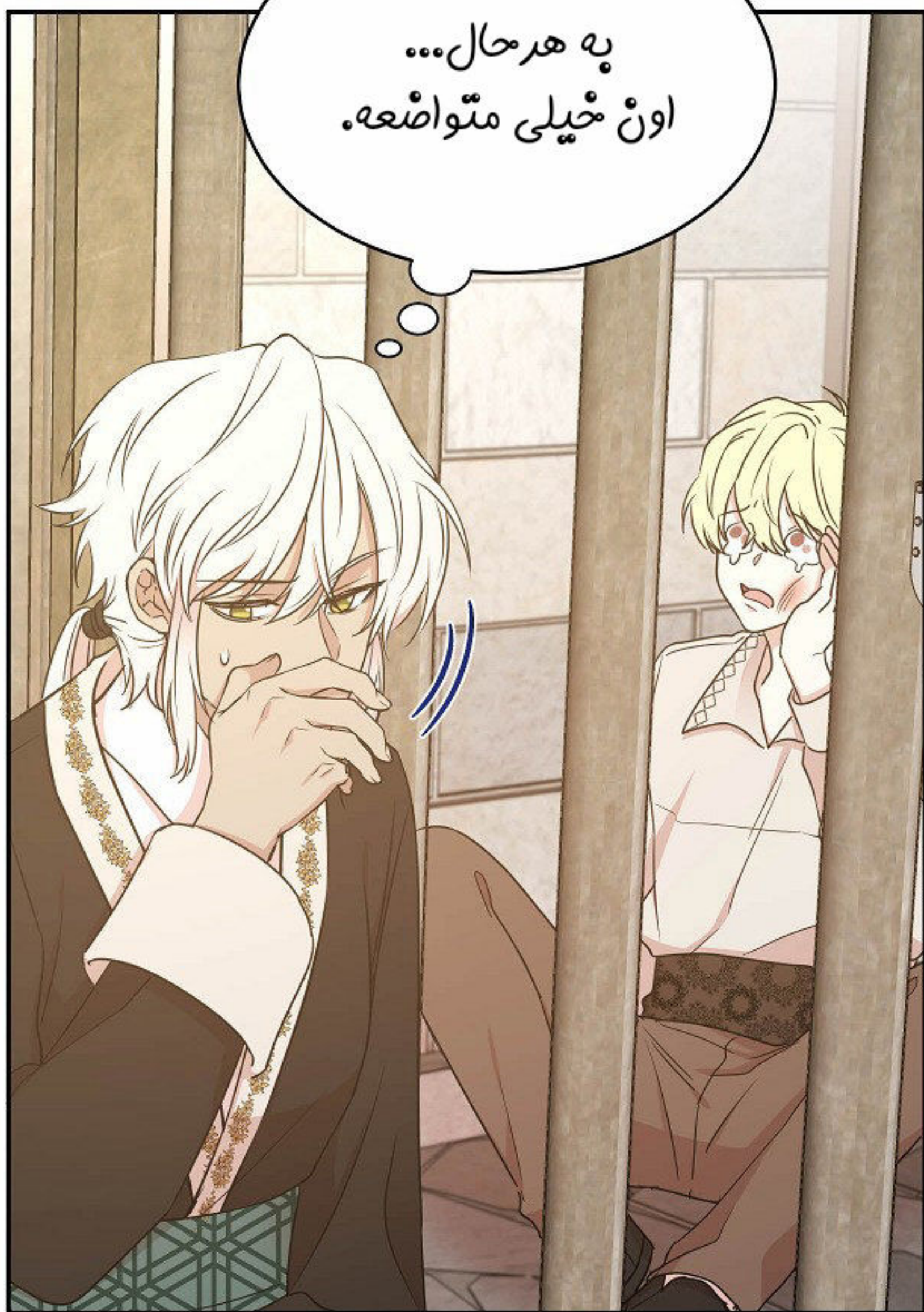


خیلی پست و متکبر
بود...

حق نیست

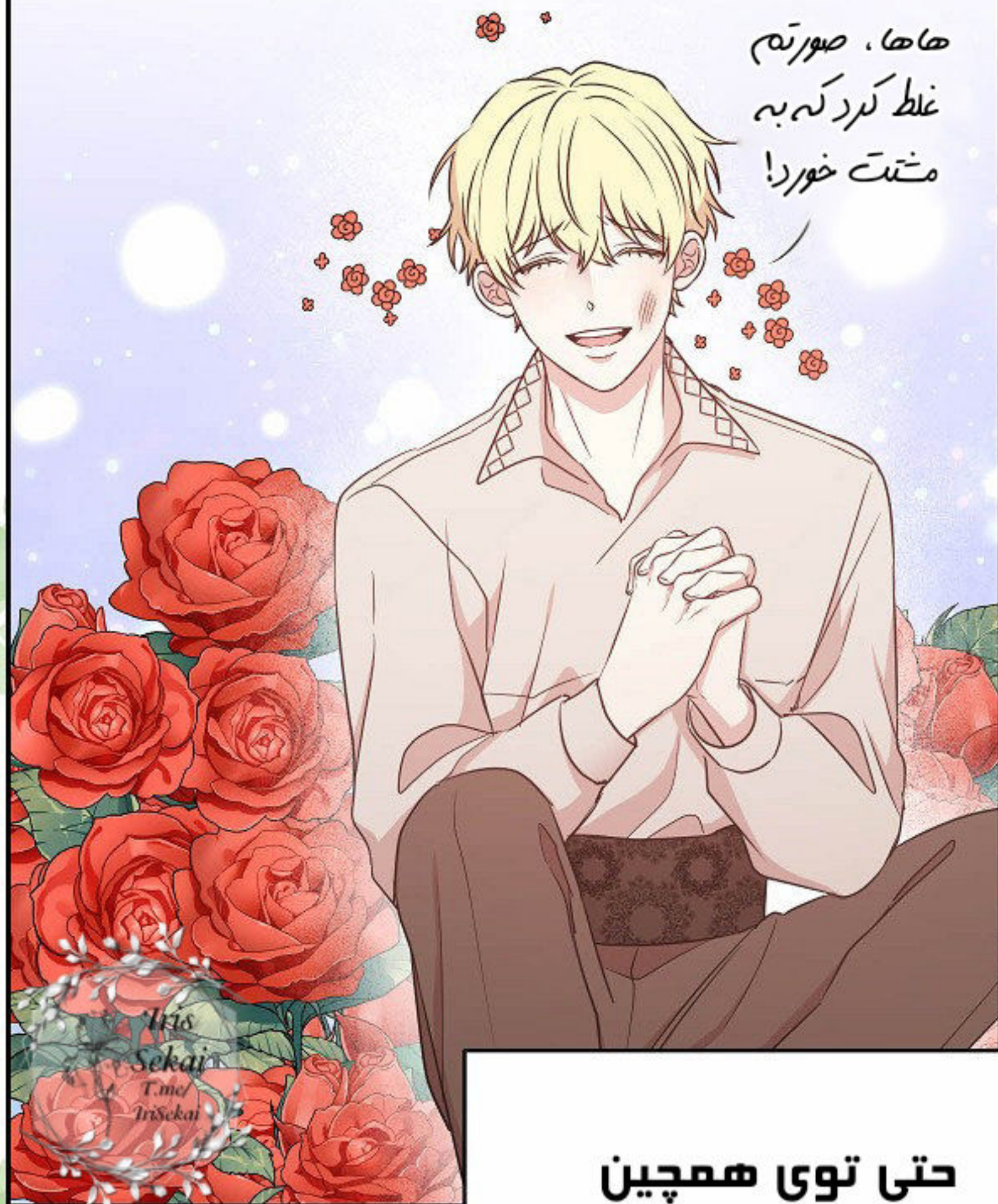


به هر حال...
اون خیلی متواضعه.



برای یه مرد، اون خیلی
خوش مشرب و با ادبه.

هاها، صورتم
غلط نکرد که به
مشت خوردم!

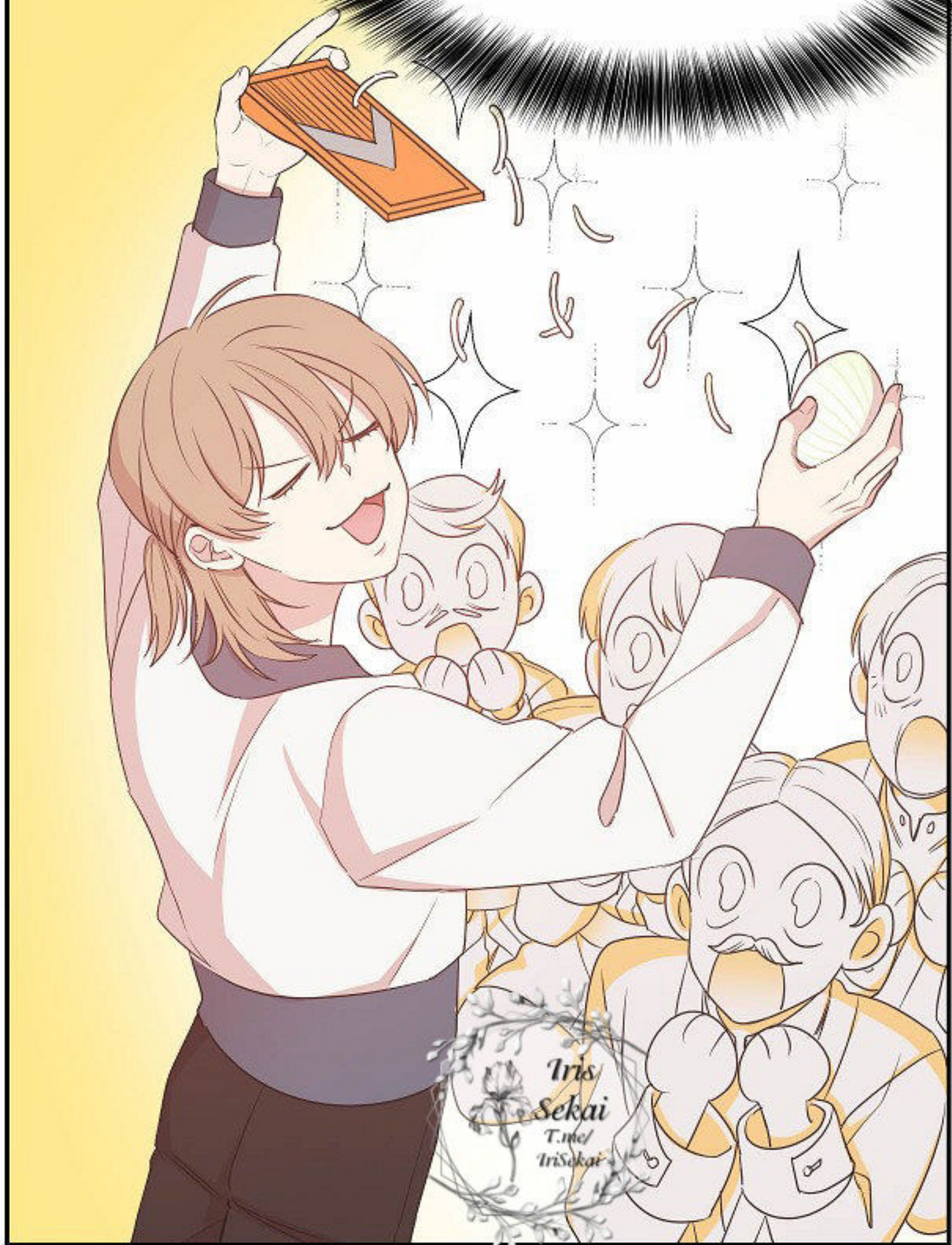


حتی توی همچین
وضعیتی...



مارو، هیچ دلیلی
نداره که مخیلی از مارگو
بترسی.

چون اون نمي تونه
بهت آسيب برنه!



Vueltas

آه، مارگو،
چطور انقدر ظرفیتت
بالاست؟

من خیلی اوضاع
خرابه، اوکی؟ دیگه
جا ندارم!~

Rodar

Rodar

خب، به خاطر این
بساطی که برای نوشیدن
راه انداختی خیلی بهم
خوش گذشت.



خوش گذشت؟
پس می‌شه به عنوان پاداشم
بزاری برم؟؟؟

Inclinar

EXALTADA

امکان نداره~



Murmurar

ادوارد باید نگران
باشه...



... هئ،
به هر حال من كنجكاوم.



چرا می‌خوای
برگردی پیش دوک
دیهاس؟



۷۷

منظورت چیه
چرا...؟



لطف امپراطور دیگه
شامل حالش نمی‌شه، اون خیلی
وقت پیش افتخارشو به عنوان
دوک از دست داده.



به علاوه، با توجه به
چیزی که شوالیه یک دست
به هم گفت، اون برای زندانی کردن
یا گذاشتن در معرض حمله
بقیه تردید نمی‌کنه.



کین پدرسگ،
پشت ادوارد چوئم حرف
زدی؟



اون اصلا مرد خوبی
به نظر نمیاد...



Iris
Sekai
T.me/
IriSekai



... نسبت به شوالیه
یک دست

این کارو می‌کنی
چون با عشق کور
شدی؟



هرچی از
دهنت درمیا دنگو!
ادوار...!

ها، نه. بيخيال.

?

بقیه هیچ
وقت نمی فهمن من چه
احساسی دارم...



چرا دماغتو از زندگی
بقیه درنمیاری و یه دفعه
درباره خودت حرف
نمی‌زنی؟

چی؟



خودت چطور؟ چرا پیش
امپراطور موندی؟



با توجه به چیزی که
دیدم، انگار واقعا بد باهات
رفتار می‌کنه.

تفاله
به در و نفور!

... در واقع اونی
که دیدی رفتار جنتلمانه
امپراطور بود.



عام، و، واقعا؟

اولین بار چطوری
امپراطور رو دیدی~؟



... در اصل توی یه
منطقه جنوبی تر از اینجا
زندگی می کردم.

ای چان!
پلاخره داره درباره خودش
حرف می زنه!

Apretado!



**همه مردها به جنگ
فرستاده شده بودن، پس فقط
زن‌ها توی روستا مونده بودن.**

ما خوشحال و توی صلح و صفا بودیم.



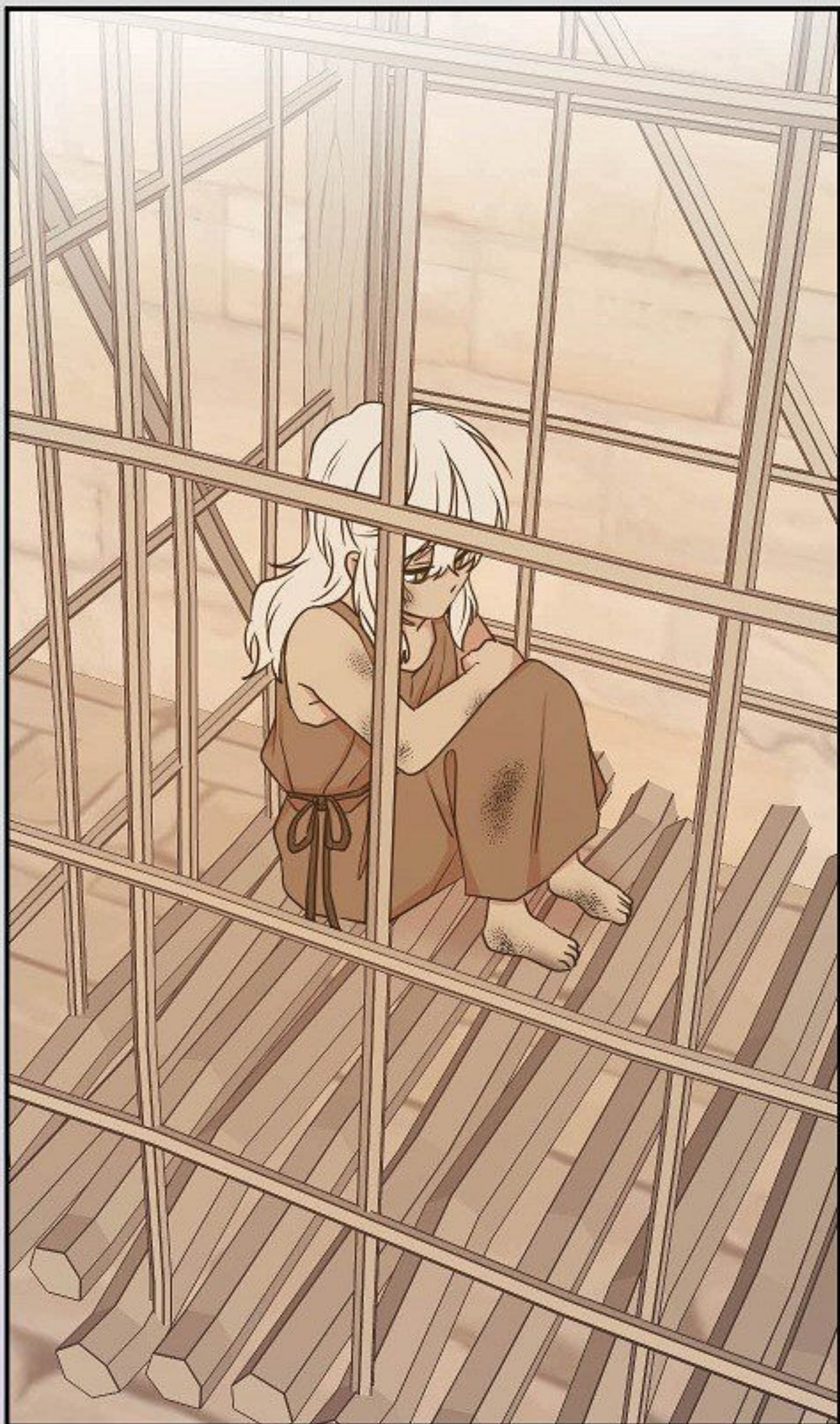


**ولی به روز،
مردها به روستا برگشتن.**

مردهایی با قیافه‌هایی
ناآشنا.

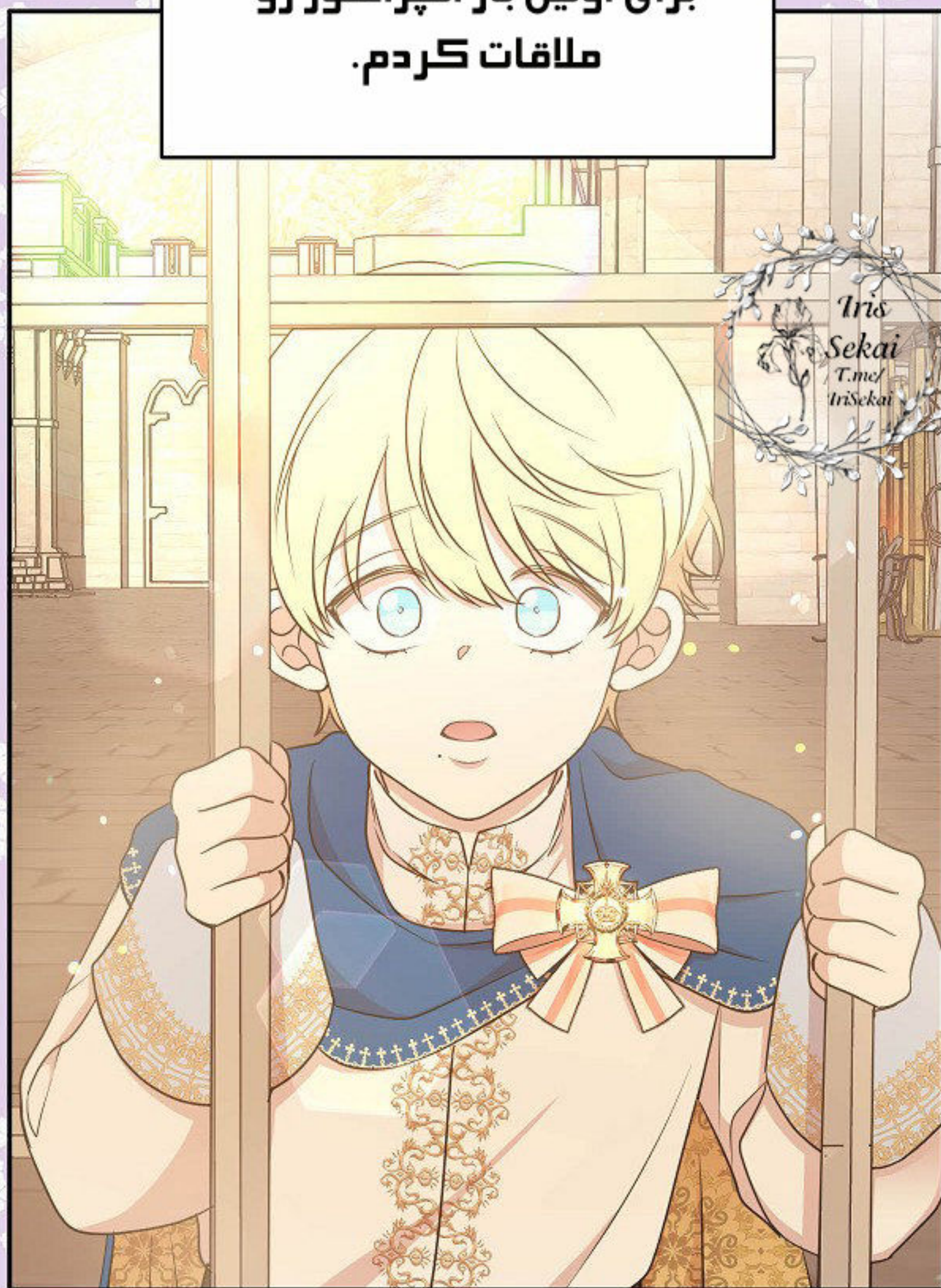


Irā
Sekai
Emel
Irāsekai





اون موقع بود که من
برای اولین بار امپراطور رو
ملاقات کردم.



... تو خوشگلی و
برق می زنی.





واو~ چقدر خفن!



پوستت خیلی
تیره‌ست، ولی خیلی راحت
قرمز می‌شه!



تو متعلق به منی!

GOLDPEAR



GOLDPEAR

تو اسپای بازی منی!



هی،
داری گریه می کنی؟

Sorpresa!



آخی بیچاره~
یا بغلم~

Miedo



نگران نباش.

Tris
Sekai
T.me/
TrisSekai

So!!o!!o!!

من دوستت دارم~

To Be Continued



Story : KIM SUO

Art : jaradog

©DAONCOMICS

